

فصلنامه علمی - پژوهشی زبان‌پژوهی دانشگاه الزهراء

سال ششم، شماره ۱۰، بهار ۱۳۹۳

تحلیل مقایسه‌ای عوامل انسجام در دو غزل حافظ و سعدی و تأثیر آن بر انسجام متن

طاهره ایشانی^۱

تاریخ دریافت: ۹۰/۸/۵

تاریخ تصویب: ۹۱/۸/۲۴

چکیده

موضوع انسجام در غزل حافظ از دیرباز، مورد توجه بسیاری از پژوهشگران بوده و بین آنها، برسر این مسئله، اختلاف نظرهایی به وجود آمده است. از آن سوی، درباره وجود انسجام در غزل سعدی، تقریباً تمام پژوهشگران متفق‌اند. حال، این پرسش مطرح می‌شود که چرا غزل حافظ گاهی دارای انسجامی ضعیف یا حتی نامنسجم به نظر می‌رسد؛ در مقابل، دلیل منسجم بودن غزل سعدی چیست. با استفاده از ره‌یافت علمی و زبان‌شناختی هلییدی^۲ و حسن^۳ (۱۹۸۵) می‌توان پاسخی برای این پرسش‌ها به دست آورد. در این پژوهش، برپایه نظریه انسجام این دو زبان‌شناس (۱۹۸۵)، عوامل

۱. استادیار و عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی Tahereh.ishany@gmail.com

2. M. A. K. Halliday

3. Ruqaiya Hasan

به وجود آورنده انسجام را در دو غزل، یکی از حافظ و دیگری از سعدی، با وزن، قافیه و موضوع یکسان بررسی کرده‌ایم تا براساس این روی کرد، تفاوت آن‌ها را نشان دهیم؛ همچنین ضمن بررسی عوامل ایجادکننده انسجام در هر یک از این دو غزل، توزیع فراوانی و درصد آن‌ها را با یکدیگر مقایسه کرده‌ایم. پس از تحلیل دو غزل، به این نتیجه رسیدیم که بیشتر بودن انسجام در غزل سعدی نسبت به غزل حافظ، در نوع عوامل انسجامی به کاررفته در متن ریشه دارد که در این پژوهش، به آن‌ها پرداخته‌ایم.

واژه‌های کلیدی: حافظ، سعدی، غزل، متن، انسجام، عوامل انسجامی.

۱. درآمد

امروزه، زبان‌شناسی، علمی نوین محسوب می‌شود که از محدوده شناخت زبان، فراتر می‌رود و از اصول و روش‌های آن، در زمینه‌های دیگر علوم انسانی استفاده می‌شود. بیشتر پژوهش‌های مرتبط با رشته‌هایی مانند جامعه‌شناسی، فلسفه و... کم‌وبیش از دستاوردهای این علم بهره‌مند می‌شوند یا از آن متأثرند. مهاجر و نبوی (۱۳۷۶: ۱۴۹) معتقدند: اگر در زندگی روزمره، زبان تنها نقش یک ابزار را ایفا می‌کند تا زندگی عملی را همچون کانون هستی امکان‌پذیر سازد، در شعر، زبان و به بیان دقیق‌تر، متن، بنیان همه-چیز است و در کانون توجه قرار می‌گیرد تا بتوان به واسطه آن، دنیایی دیگر آفرید و از آنجا که این دنیا صرفاً با استفاده از عناصر کلامی ساخته می‌شود، در نتیجه برای هرچه بهتر ساختن این دنیا تمامی موارد کلامی متن، مورد استفاده قرار می‌گیرند و این، دلیل اهمیت یافتن حتی کوچک‌ترین آواها و جزئی‌ترین عناصر نوشتاری را در شعر توضیح می‌دهد.

از سوی دیگر، ادبیات را نیز می‌توان از دیدگاه علوم دیگر بررسی کرد. اکنون، سال-هاست که درحوزه نقد ادبی، شیوه‌هایی همچون نقد روان‌شناختی، نقد ساختارگرایانه، نقد جامعه‌شناختی، نقد نشانه‌شناختی، نقد فلسفی، نقد مارکسیستی، نقد تاریخی و... به کار گرفته می‌شود؛ بنابراین، زبان‌شناسی را نمی‌توان از این مجموعه جدا کرد؛ زیرا از نظر زبان‌شناسان، زبانی‌بودن ادبیات ثابت شده است و از آنجا که زبان‌شناسی، عبارت از مطالعه علمی زبان، یعنی تاروپود به‌وجودآورنده ادبیات است، قاعدتاً می‌توان این حوزه را با ادبیات و به‌ویژه نقد ادبی و بلاغت پیوند داد.^۱

شفیعی کدکنی (۱۳۶۸: ۳) شعر را رستاخیز کلمات و حادثه‌ای تعریف کرده است که در زبان رخ می‌دهد و به‌وسیله آن، گوینده شعر، کاری انجام می‌دهد که باعث تمایز زبان شعری او از زبان عادی و روزمره می‌شود. وی بر این باور است که «هرگاه نَرم زبان عادی به‌شکل نظام‌مند شکسته شود، رستاخیز واژه‌ها صورت می‌پذیرد و وارد قلمرو شعر می‌شویم».

از سوی دیگر، حق‌شناس (۱۳۷۳: ۱۰۹) درحوزه زبان‌شناسی ادبیات، برپایه مفاهیم زبان‌شناختی برونه و درونۀ زبان یا به تعبیر دیگر، صورت و محتوا، گونه‌های زبان ادبی را تعریف کرده است. وی معتقد است:

صورت زبان در تمامی ساخت‌های غیرمعنایی آن، برونۀ زبان را تشکیل می‌دهد؛ درحالی که درونۀ زبان، عناصر با مبنای معنایی را دربر می‌گیرد. عناصری همچون وزن، قافیه، ترصیع، جناس بر بازی‌های برونۀ زبان و عناصری مانند استعاره، مجاز، تشبیه و کنایه بر بازی‌های درونۀ زبان، استوار هستند.

البته برخی پژوهشگران ادبی معتقدند نباید متون ادبی را از دید زبانی بررسی و تحلیل کرد؛ اما از آنجا که درحوزه زبان‌شناسی، زبان به‌صورت علمی مطالعه می‌شود و در این روند، از روش‌های رایج در پژوهش‌های علمی استفاده می‌شود، این‌گونه تجزیه و تحلیل به‌روش علمی و البته جهانی، بر ارزش چنین پژوهش‌هایی می‌افزاید؛ چنان‌که راجر فالر^۲ و دیگران (۱۳۸۱: ۲۶) نیز در مقاله‌ای باعنوان «بررسی ادبیات به‌منزلهٔ زبان» نوشته‌اند

۱. برای اطلاع بیشتر نگاه کنید به مهاجر و نبوی، ۱۳۷۶؛ فالر، راجر و دیگران، ۱۳۸۱.

2. Roger Fowler

زبان‌شناسی می‌تواند کاربردی کاملاً مناسب در حوزه ادبیات داشته باشد و وجوه مختلف ادبی متن را آشکار کند. رقیه حسن (۱۹۸۹: ۹۱) نیز درباره اهمیت زبان در حوزه ادبیات نوشته است: «مسکماً بررسی معنایی متون از طریق زبان است. هر متنی در هر شرایطی، در درجه اول، یک متن زبانی است و متن ادبی نیز از این قاعده، مستثنا نیست».

یکی از مسائل مهم در حوزه زبان‌شناسی و به‌ویژه زبان‌شناسی نقش‌گرا، انسجام متن است. چنان‌که در جدول ۱ می‌بینیم، هلیدی و حسن (۱۹۸۵: ۸۲) ساخت متنی را به دو گروه ساختاری و غیرساختاری تقسیم کرده‌اند. در این پژوهش، انسجام متن را براساس دیدگاه هلیدی و حسن (۱۹۸۵) تحلیل می‌کنیم و با توجه به آنکه انسجام غیرساختاری، مورد توجه این دو دانشمند بوده است، به توضیح این گونه از انسجام متن بسنده می‌کنیم.

انسجام، «یک مفهوم معنایی است که به روابط معنایی موجود در متن اشاره می‌کند و شناسایی متن از غیرمتن را امکان‌پذیر می‌سازد» (هلیدی و حسن، ۱۹۷۶: ۴). گوت‌وینسکی^۱ (۱۹۷۶: ۳۳) نیز معتقد است «متون ممکن است که دارای انسجام ضعیف‌تر و یا قوی‌تری باشند؛ اما هیچ متنی بدون انسجام وجود نخواهد داشت»؛ بر این اساس می‌توان گفت ویژگی اصلی متن، داشتن انسجام است و شعر حافظ نیز از این قاعده، مستثنا نیست. درباره انسجام در شعر حافظ به‌عنوان یک متن، دیدگاه‌هایی متفاوت وجود دارد و همین مسئله، باعث اختلاف نظر پژوهشگران در این زمینه شده است؛ بنابراین، مسئله مهم در این پژوهش، آن است که چه عاملی سبب شده است غزل حافظ، بدون انسجام یا دارای انسجام ضعیف به‌نظر برسد؛ چنان‌که حتی بعضی منتقدان، به پاشانی غزل این شاعر معتقدند؛ مثلاً کسروی (۱۳۲۲: ۶) معتقد است «هر بیتی از غزل او [حافظ] در زمینه دیگری است و ارتباطی در میان آن‌ها دیده نمی‌شود» و براهنی (۱۳۸۰: ۵۵۱) نوشته است «غزل حافظ از درون، آرمونی ندارد. غزل حافظ، درون یک بیت و تک‌تک ابیات، آرمونی دارد و هر تصویر هم ساز مضمونی جداگانه را می‌زند» و... در مقابل این عقاید می‌توان گفت غزل‌های حافظ مضمون‌هایی متنوع دارند و در آن‌ها، ارتباط مضامین با یکدیگر، پنهان است. فرزاد (۱۳۵۳: ۱۰ مقدمه) درباره این مسئله نوشته است:

1. Gutwinski

رشته معنی [در غزل حافظ]، از آغاز تا پایان غزل، بی‌انحراف و بی‌انقطاع ادامه دارد؛ ولی فقط بعضی از قسمت‌های آن به شکل ابیات غزل ظاهر می‌شوند. در میان هر بیت و بیت بعد، مقداری از معنی غزل موجود است که به لفظ نیامده است و باید فقط آن را استنباط کرد.

شمیسا (۱۳۷۰: ۱۳۶) نیز درباره غزل‌های حافظ معتقد است:
ابیات غزل‌های او ظاهراً به یکدیگر پیوستگی ندارند؛ اما درحقیقت، دارای یک ارتباط پنهانی زبانی یا معنایی هستند؛ به طوری که می‌توان گفت که فضای کلی شعر او در هاله‌ای از تداعی معانی‌های زبانی یا معنایی شکل می‌گیرد.

از سوی دیگر، درباره انسجام غزل سعدی، تقریباً همگان متفق‌اند؛ چنان‌که خرمشاهی (۱۳۶۱: ۱۸ و ۱۹) نوشته است:

حافظ با آنکه بیش از هر شاعر دیگری، از سعدی اثر برده و به اقتضای بسیاری از غزل‌های او رفته و بسیاری از مضامین او را اقتباس کرده و چندین مصراع او را عیناً در غزلیات خود درج و تضمین کرده، بافت سخنش از نظر عدم تلائم و فقدان انسجام معنایی، کمترین شباهتی با سخن منسجم سعدی ندارد.

بدین ترتیب، دومین مسئله این است که چرا غزل سعدی منسجم‌تر از غزل حافظ به نظر می‌رسد. برای پاسخ دادن به این سؤال، در این پژوهش، یکی از غزل‌های سعدی را با غزلی هموزن و هم‌قافیه آن از حافظ، براساس نظریه انسجام هلیدی و حسن (۱۹۸۵) مقایسه و تحلیل کرده‌ایم. هردو غزل، زمینه‌ای تقریباً یکسان دارند.

۲. پیشینه پژوهش

تاکنون، درباره مقایسه انسجام در غزل‌های حافظ و سعدی برپایه نظریه‌ای زبان‌شناختی - آن گونه که در این پژوهش، بدان پرداخته‌ایم - هیچ تحقیقی صورت نگرفته است. تنها

نگارنده در مقاله‌ای، انسجام و پیوستگی را در غزلی دیگر از حافظ بررسی کرده و البته آن غزل را با غزل سعدی مقایسه نکرده است.

از جمله آثاری که در آن‌ها، غزل حافظ از دیدگاه زبان‌شناختی بررسی شده است، می‌توان مقاله‌ای را از آقاگل‌زاده (۱۳۸۴) با عنوان «کاربرد آموزه‌های زبان‌شناسی نقش‌گرا در تجزیه و تحلیل متون ادبی» نام برد که در آن، مفاهیم نظری مطرح در حوزه زبان‌شناسی نقش‌گرا معرفی شده و سپس کاربری آن در یکی از غزل‌های حافظ، با تکیه بر کارآمدی زبان‌شناسی نقش‌گرا در تحلیل متون ادبی نشان داده شده است. در این پژوهش، نویسنده بر معرفی زبان‌شناسی نقش‌گرا تأکید کرده است؛ نه بر انسجام؛ همچنین غزل‌های حافظ و سعدی را نیز با یکدیگر مقایسه نکرده است. پژوهشگران ادبی نیز گاه در آثارشان، درباره وجود انسجام در غزل سعدی و نبود انسجام یا پنهان و ضعیف بودن آن در غزل حافظ به صورت مختصر سخن گفته‌اند؛ بر این اساس می‌توان گفت مقایسه انسجام در غزل‌های حافظ و سعدی در آثار پژوهشی ادبی ایران، بیشتر از منظر ادبی صورت گرفته و به حوزه زبان‌شناختی، کمتر توجه شده است.

۳. نظریه انسجام هلیدی و حسن (۱۹۸۵)

هلیدی و حسن نخست در سال ۱۹۷۶ ابزارهای آفریننده انسجام متن را در زبان انگلیسی، به سه دسته تقسیم کردند: ابزارهای دستوری شامل ارجاع^۱، جای‌گزینی^۲ و حذف^۳؛ ابزارهای پیوندی که عبارت است از حروف ربط^۴؛ ابزارهای واژگانی شامل تکرار^۵ و هم‌آیی^۶. آن‌ها در سال ۱۹۸۵ این تقسیم‌بندی را در اثر مشترک دیگر خود^۷ گسترش دادند. شکل تغییر یافته تقسیم‌بندی این دو زبان‌شناس را در جدول ۱ به اختصار نشان داده‌ایم.

1. Reference
2. Substitution
3. Ellipsis
4. Conjunctives
5. Reiteration
6. Collocation
7. "Language, Context and Text: Aspects of Language in a Social-Semiotic Perspective"

هلیدی و حسن (۱۹۷۶: ۴) روابط بین جمله‌ای متن را انسجام متنی^۱ نامیده و آن را بدین صورت تعریف کرده‌اند: «انسجام، مفهومی معنایی است که به روابط معنایی موجود در متن می‌پردازد و آن را به‌عنوان یک متن، از غیرمتن جدا و مشخص می‌نماید». انسجام به‌صورت بالقوه، در عناصر نظام زبانی همچون ارجاع، حذف، جانشینی و... که درون زبان قرار دارند، نهفته است؛ اما عینیت یافتن آن در هر مورد، به انتخاب گزینه‌هایی از این عناصر وابسته نیست؛ بلکه به وجود عناصری دیگر بستگی دارد که به شکل گرفتن «گره^۲» و سپس ارتباط این عناصر با یکدیگر به‌صورت «زنجیره^۳» منجر می‌شود. آنچه یک عنصر را با دیگر عنصرهای انسجامی مربوط می‌کند، گره نامیده می‌شود. «گره که تعبیری دیگر از دو تابدون است، در بررسی و تحلیل عوامل انسجام در یک متن، بسیار مورد تأکید قرار گرفته است» (هلیدی و حسن، ۱۹۸۵: ۷۳)؛ بنابراین، به‌طور کلی به‌وسیله انسجام می‌توان ارتباط‌های موجود در یک متن را توضیح داد. شایان ذکر است که براساس این نظریه و چنان‌که در جدول ۱ می‌بینیم، انسجام در دو حوزه ساختاری و غیرساختاری بررسی می‌شود. همان‌گونه که پیشتر نیز گفتیم، از آنجا که پژوهش حاضر، براساس کتاب مشترک هلیدی و حسن در سال ۱۹۸۵ انجام شده است و انسجام غیرساختاری با توجه به عوامل انسجام دستوری و واژگانی در اثر یادشده، مورد نظر است، در این مقاله نیز انسجام متن را با این رویکرد تحلیل کرده‌ایم. پیش از شروع تحلیل، لازم است تعریف این عوامل را به‌صورت مختصر ذکر کنیم.

8. Textual Cohesion

9. Tie

10. Chain

۱۶ / تحلیل مقایسه‌ای عوامل انسجام در دو غزل حافظ و سعدی و تأثیر آن بر انسجام متن

جدول ۱- خلاصه‌ای از عوامل انسجامی (Halliday & Hasan, 1985:82)
انسجام غیرساختاری (non-structural cohesion)

روابط انداموار (organic relations)	روابط عناصر سازنده (componential relations) (device)	
<p>۱. پیوندی (conjunctives)</p> <p>۲. مجاورت جفت‌ها (adjacency pairs): مثال: جوابی که بعد از سوال می‌آید. پذیرش که پس از پیشنهاد می‌آید و...</p>	<p>عناصر (device)</p> <p>الف. ارجاع (reference): ۱. ضمیری (pronominals) ۲. اشاره‌ای (demonstrative) ۳. حرف تعریف (definite article) ۴. مقایسه‌ای (comparative)</p> <p>ب. جانمایی و حذف (substitution & ellipsis): ۱. اسمی (nominal) ۲. فعلی (verbal) ۳. جمله‌ای (clausal)</p> <p>رابطه نوعی گره (typical tie relation)</p> <p>هم مرجع (co-reference)</p> <p>هم طبقه (co-classification)</p>	عوامل انسجام دستوری
<p>- تمثیلی (continuative): مثال: هنوز</p>	<p>الف. عام (general): ۱. تکرار (repetition) ۲. هم‌معنایی (synonymy) ۳. تضاد معنایی (antonymy) ۴. جزء و کل (meronymy)</p> <p>ب. نمونه‌ای (instantial): ۱. برابری (equivalence) ۲. نام‌گذاری (naming) ۳. تشابه (semblance)</p> <p>هم طبقه (co-classification)</p> <p>هم گستر (co-extention)</p> <p>هم مرجع (co-reference)</p> <p>هم طبقه (co-classification)</p>	عوامل انسجام واژگانی

انسجام ساختاری (structural cohesion)

- الف. توازن (parallelism)
- ب. بسط مبتدا-خبر (theme-rheme development)
- ج. سازمان‌دهی (اطلاعات) کهنه و نو (given-new organization)

۳-۱. انسجام دستوری

در این بخش، به مباحث ذیل می‌پردازیم:

۳-۱-۱. ارجاع

ارجاع عبارت از آن است که صورت‌های ارجاعی برای تفسیر، به چیزی دیگر پیش یا پس از خود ارجاع داده شوند. ارجاع دو گونه است: یکی ارجاع برون‌متنی^۱ و دیگری

1. Exophoric Reference

ارجاع درون‌متنی^۱. در ارجاع درون‌متنی، مرجع، عنصری است در درون متن. ارجاع درون‌متنی براساس موقعیت مرجع نسبت به عنصر ارجاع، بر دو نوع تقسیم می‌شود: الف) ارجاع پیش‌مرجع^۲ که در آن، عنصر ارجاع، به‌صورتی بسیار روشن، پیش‌از مرجع^۳ قرار می‌گیرد.

ب) ارجاع پس‌مرجع^۴ که در آن، عنصر ارجاع، پس‌از مرجع خود قرار می‌گیرد. در توضیح ارجاع برون‌متنی می‌توان گفت وقتی عنصری در متن، به‌موردی خارج از متن اشاره کند و درک آن، وابسته به موقعیت و محیطی باشد که متن در آن واقع شده است، عنصر موردنظر، از نوع برون‌مرجع است؛ اما نکته مهم، این است که تنها ارجاع درون‌متنی، سبب ایجاد انسجام در متن می‌شود؛ چون گره‌ها یا روابط انسجامی بین جمله‌ها متن را به‌وجود می‌آورند؛ درحالی که ارجاع برون‌متنی به تولید متن کمک می‌کند؛ یعنی باعث پیوند متن با بافت موقعیت می‌شود (هلیدی و حسن، ۱۹۷۶: ۳۱ تا ۳۷).

۳-۱-۲. جانشینی

جانشینی، یکی از انواع روابط انسجامی است که در آن، به‌جای تکرار یک صورت خاص در متن، از واژه‌ای دیگر استفاده می‌شود. جانشینی رابطه‌ای بین واژه‌هاست؛ نه معانی؛ بنابراین، انواع جانشینی به‌لحاظ دستوری طبقه‌بندی شده‌اند. عنصر جانشین می‌تواند اسم، فعل یا جمله باشد.

۳-۱-۳. حذف

حذف نیز همانند جانشینی، از جمله عوامل مؤثر در ایجاد انسجام در متن است و میان عناصر، رابطه معنایی برقرار نمی‌کند؛ بلکه رابطه‌ای واژگانی - دستوری را بنیاد می‌نهد که در آن، عنصری حذف می‌شود. حذف نیز مانند جانشینی، بر سه نوع تقسیم می‌شود: حذف

1. Endophoric Reference
2. Anaphora
3. Antecedent
4. Cataphora

اسمی، حذف فعلی و حذف جمله‌ای؛ بنابراین، عنصر حذف شده می‌تواند اسم، فعل یا جمله باشد.

۲-۳. انسجام واژگانی

این گونه انسجام در نتیجه حضور واژه‌های مشابه و مرتبط به وجود می‌آید و مبتنی بر رابطه‌ای است که واحدهای واژگانی زبان به لحاظ محتوای معنایی شان با یکدیگر دارند. متن به واسطه این روابط، تداوم و انسجام می‌یابد (هلیدی، ۱۹۸۵: ۳۱۰).
رقیه حسن (۱۹۸۴: ۲۰۱ تا ۲۰۳) عوامل انسجام واژگانی را به دو دسته عام^۱ و نمونه‌ای یا موردی^۲ بدین شرح تقسیم کرده است:

۱-۲-۳. انسجام واژگانی عام

مقوله‌های زیر در این مجموعه قرار می‌گیرند:

الف) تکرار^۳:

این رابطه هنگامی رخ می‌دهد که واژه‌ای در متن عیناً تکرار شده باشد؛ به عبارت دقیق‌تر، بین دو واژه، از نظر آوایی و معنایی، تفاوتی وجود نداشته باشد. سالکی^۴ (۱۹۹۵: ۵) معتقد است:

در یک متن، واژه‌های بسیاری وجود دارند که بیش از یک بار تکرار شده‌اند؛ اما آنچه که سبب انسجام متن می‌شود، تکرار واژه‌های مهم آن است. بسیاری از واژه‌های دستوری^۵، همانند حروف اضافه و حروف ربط ممکن است در متن، زیاد مورد استفاده قرار گرفته باشند. هر چند که این واژه‌ها نیز در انسجام متن، تأثیر گذارند؛ اما در نقش مورد نظر بر این واژه‌ها تأکید نمی‌شود؛ بلکه فقط واژه‌هایی که به واژه‌های متنی^۶ معروف‌اند، در متن دارای نقش انسجامی هستند.

5. General

6. Instantial

1. Repetition

2. Salkie

3. Function Words

4. Context Words

ب) هم‌معنایی^۱:

این رابطه، نوعی دیگر از تکرار است که در آن، کلمه‌های مترادف، در متن، انسجام واژگانی ایجاد می‌کنند. باطنی (۱۳۷۳: ۲۲۹) در شرح هم‌معنایی نوشته است:

استعمال کلمات هم‌معنا در نوشته‌های علمی، بسیار نادر است؛ زیرا مفاهیم علمی، دقیق و عاری از هاله‌های عاطفی است که معمولاً کلمات عادی زبان را احاطه نموده است؛ ولی استعمال آن‌ها در نوشته‌های ادبی و در زبان محاوره، فراوان است. گاهی اوقات، غرض از استعمال کلمات هم‌معنا گریز از تکرار یا ایجاد تنوع است؛ ولی گاهی برای آن است که معنی را روشن‌تر، محکم‌تر و مؤثرتر نماید. در زبان فارسی، تعداد زیادی عبارات و اصطلاحات از طریق دوم ایجاد می‌شوند.

ج) تضاد معنایی^۲:

در این گونه رابطه، واژه‌ها یا واحدهای واژگانی، معنایی متضاد با یکدیگر دارند.

د) شمول معنایی^۳ یا جزء و کل^۴:

شمول معنایی، رابطه‌ای است که میان یک طبقه عام و زیرطبقه‌های آن به وجود می‌آید. رقیه حسن (هلیدی و حسن، ۱۹۸۵: ۸۰ و ۸۱) در توضیح شمول معنایی نوشته است: «در شمول معنایی، عنصری که در طبقه عام قرار می‌گیرد، فراگیرنده^۵ نامیده می‌شود و عناصری که در زیرطبقه‌های آن قرار دارند، واژه‌های مشمول^۶ نام دارند». وی در ادامه نوشته است: «جزء و کل^۷ مانند رابطه درخت، شاخه و ریشه است که در این نمونه، شاخه و ریشه تحت عنوان «همجزء^۸»، در زیرمجموعه درخت به عنوان فراگیرنده، این نوع ارتباط را به وجود می‌آورند».

5. Synonymy
6. Antonymy
7. Hyponymy
8. Meronymy
9. Superordinate
10. Hyponyms
11. Meronymy
12. Co-Meronymy

۲-۳. انسجام واژگانی موردی یا نمونه‌ای

عواملی همچون برابری^۱، نام‌گذاری^۲ و تشابه^۳، در این مجموعه قرار می‌گیرند. شایان ذکر است که برای عامل واژگانی موردی نمی‌توان نمونه‌ای خارج از متن به‌دست داد؛ زیرا در این مورد، مثال‌ها تنها در آن متن، عامل انسجامی به‌شمار می‌روند؛ مثلاً، در متنی که عامل انسجامی «او» به شخصی به‌نام «مریم» ارجاع داده می‌شود، ارجاع تنها در همان متن صورت می‌گیرد؛ نه در دیگر متن‌ها؛ به همین سبب، رقیه حسن (۱۹۸۴: ۲۰۱) این‌گونه عوامل انسجام واژگانی را محدود (مقید) به متن^۴ دانسته و معتقد است اعتبار این عامل به‌عنوان محصولی مخصوص همان متن است و در نظام زبانی توسعه نمی‌یابد؛ به عبارت دیگر، این عامل تنها در همان متن از طریق بافت زبانی، معتبر است.

۳-۳. گره

همان‌گونه که پیشتر نیز گفتیم، آنچه مفهوم انسجام را در جمله مستقر می‌کند، گره نامیده می‌شود. گره، عنصری از یک جمله را به عنصری در جمله‌ای دیگر مرتبط می‌کند.

۴. روش تحلیل انسجام

پس از معرفی اصول اولیه این نظریه، لازم است روش بررسی انسجام را در یک متن توضیح دهیم. برای نشان‌دادن انسجام در یک متن، انجام‌دادن مرحله‌های زیر به‌ترتیب، ضروری است^۵:

الف) تقسیم کردن متن به چند بند؛
ب) نوشتن واژه‌های موجود در هر بند بدون در نظر گرفتن حروف ربط، اضافه و...
به‌صورت جداگانه؛

1. Equivalence
2. Naming
3. Semblance
4. Text-Bound

۵. نگارنده، این روش تحلیل را با راهنمایی و نظارت مستقیم پروفسور رقیه حسن، در طول فرصت مطالعاتی در استرالیا آموخته است.

ج) یافتن عوامل انسجام واژگانی و دستوری در متن از میان واژه‌های نوشته‌شده (کل نمونه‌ها)؛

د) قرارداد این عوامل در زنجیره‌هایی با عنوان‌های یکسانی و شباهت، و محاسبه نمونه‌های شرکت‌کننده در این زنجیره‌ها (نمونه‌های مرتبط)؛
ه) محاسبه درجه انسجام متن.

۵. تحلیل انسجام در غزل حافظ

برای تحلیل انسجام در غزل حافظ، این غزل او را برگزیده‌ایم:

ای نسیم سحر آرامگه یار کجاست؟ منزل آن مه عاشق کش عیار کجاست؟
شب تار است و ره وادی ایمن درپیش آتش طور کجا موعده دیدار کجاست؟
هر که آمد به جهان، نقش خرابی دارد در خرابات بگویند که هشیار کجاست
آن کس است اهل بشارت که اشارت داند نکته‌ها هست بسی محرم اسرار کجاست؟
هر سر موی مرا با تو هزاران کارست ما کجاییم و ملامتگر بیکار کجاست؟
باز پرسید ز گیسوی شکن درشکنش کاین دل غم‌زده سرگشته گرفتار کجاست
عقل دیوانه شد آن سلسله مشکین کو دل ز ما گوشه گرفت ابروی دل‌دار کجاست
ساقی و مطرب و می جمله مهیاست؛ ولی عیش بی یار مهیا نشود یار کجاست؟
حافظ از باد خزان در چمن دهر مرنج
فکر معقول بفرما گل بی خار کجاست؟

(حافظ، ۱۳۶۸: ۱۰۶)

در تحلیل این غزل، برای جلوگیری از اطناب، مرحله‌های الف و ب را ادغام کرده‌ایم:

بیت اول:

۱. نسیم سحر - (بگو) ۲. آرامگه یار - کجاست؟ ۳. منزل آن مه عاشق کش عیار - کجاست؟

بیت دوم:

۴. (الآن) - شب تار - است ۵. ره وادی ایمن - درپیش - (است) ۶. آتش طور - کجا -
(است)

۷. موعده دیدار (یار) - کجاست؟

بیت سوم:

۸. هر که - آمد - جهان - ۹. (او) - نقش خرابی - دارد ۱۰. خرابات - بگویند - (شما)
۱۱. هشیار - کجا - است.

بیت چهارم:

۱۲. آن کس - است - اهل بشارت ۱۳. (آن کس) - اشارت - داند ۱۴. نکته‌ها - هست -
بسی

۱۵. محرم اسرار - کجاست؟

بیت پنجم:

۱۶. سر موی مرا - تو - هزاران کار - است ۱۷. ما - کجا - ییم (هستیم) ۱۸. ملامتگر
بیکار - کجا - است؟

بیت ششم:

۱۹. باز پرسید - (شما) - گیسوی شکن در شکنش ۲۰. این دل غم‌زده سرگشته - گرفتار
کجا - است

بیت هفتم:

۲۱. عقل - دیوانه - شد ۲۲. آن سلسله مشکین - کو ۲۳. دل - ما - گوشه گرفت
۲۴. ابروی دل‌دار - کجا - است؟

بیت هشتم:

۲۵. ساقی - مطرب - می - جمله - مهیا - است ۲۶. عیش - بی‌یار - مهیا - نشود ۲۷.
یار - کجا - است؟

بیت نهم:

۲۸. حافظ - باد خزان - چمن دهر - مرنج ۲۹. (حافظ) - فکر معقول - بفرما - ۳۰. گل بی -
خار - کجا - است؟

پس از تقسیم ابیات به بندها و جدانویسی هریک از کلمه‌های موجود در این بندها، این کلمه‌ها را بر این اساس که جزء کدام یک از عوامل انسجامی هستند و با یکدیگر چه رابطه‌ای دارند، در زنجیره‌ی مربوط بدان‌ها می‌گذاریم. در جدول ۲ این عوامل را نشان داده‌ایم. براساس این جدول، تعداد کل نمونه‌ها ۹۶ مورد است.

شایان ذکر است که این عوامل به صورت ستونی و عمودی، با یکدیگر ارتباط دارند. در سمت راست این جدول، شماره بیت و شماره جمله را با توجه به شکل تفکیک شده در بخش (ب) مشخص کرده‌ایم و سپس واژه‌های هر جمله را به صورت افقی نوشته‌ایم. نوع رابطه این عوامل در هر جمله با جمله بعدی و نیز نوع عوامل انسجامی تعیین کننده هر رابطه را در جدول ۳ به تفصیل نشان داده‌ایم.

۲۴ / تحلیل مقایسه‌ای عوامل انسجام در دو غزل حافظ و سعدی و تأثیر آن بر انسجام متن

ردیف	جمله	عوامل انسجام	واژگانی و دستوری در غزل	«ای نسیم سحر آرامگه یار کجاست»
1	1	نسیم سحر (بگو)		(نسیم سحر: قاصد)
2	1	آرامگه یار	کجا است	(یار)
3	1	مژول آن مه عاشق کش عیار	کجا است	(آن مه)
4	2	شب تار	است آن	
5	2	ره وادی لیمن	پیش (است)	
6	2	آتش طور	کجا (است)	
7	2	موعد دیدار (یار)	کجا است	
8	3	جهان		هر که آمد
9	3		دارد	نقش خراس (او)
10	3	بگویند		(شما)
11	3	خریبات	کجا است	هشیار
12	4		است	آن کس / (اعل یشارت)
13	4			(او) اشارت داند
14	4	هست		نکته ها
15	4	کجا است		محررم اسرار (محررم اسرار)
16	5		دارد	هزاران کار هر سر سوزی من تو
17	5	کجا هستم		ما
18	5	کجا است		بی کار / ملامتگر (بی کار)
19	6	بازرسید		کیسوی شکن در شکن / (شما)
20	6	(کجا) است		این دل غمزه سرگشته (من)
21	7		شد	عقل گرفتار (کجا)
22	7	کجا است		آن سلسله مشکین (یار)
23	7			دل گوشه گرت / ما (دل)
24	7	کجا است		ابروی نذر
25	8		است	
26	8		نشود	یار
27	8	کجا است		یار
28	9	باد خزان	چمن دهر	حافظ / مرثع
29	9			مغفول / (حافظ) فکر (مغفول) بفرما
30	9	کجا است		گل بی بخار

در جدول ۳ عوامل ایجادکننده انسجام دستوری و واژگانی همراه با زیرمجموعه‌هایشان مشخص شده‌اند تا نوع رابطه آن‌ها به صورتی دقیق‌تر بیان شود؛ مثلاً همان گونه که در این جدول، در قسمت «تکرار» می‌بینیم، واژه «دارد» در جمله‌های ۹ و ۱۶ تکرار شده است و تکرار، زیرمجموعه عوامل انسجام واژگانی محسوب می‌شود؛ همچنین، واژه‌های «آن مه» (در جمله ۳) و «یار» (در جمله ۲) از نظر عامل انسجامی واژگانی تشابه، با یکدیگر مرتبط‌اند و در جدول ۳ در جای مخصوص خود قرار گرفته‌اند.

جدول ۳- روابط عوامل انسجامی در غزل حافظ (ای نسیم سحر آرامگه پار کجاست)

تعداد	عوامل انسجامی			عوامل انسجامی واژگانی		
	ارجاع	جانشینی و حذف	تکرار	هم‌معنایی	تضاد معنایی	جزء و کل
۳	گیسوی شکن در شکنش (۱۹) پار (۲)		تو (۱۶) پار (۲)	حافظ (۲۸) ما (۱۷)		
۶	است (۲-۵)	او (۹) هر که (۸)	او (۱۳) آن کس (۱۲)	حافظ (۲۹-۳۰)	بگو (۱-۱۰)	موعده دیدار پار (۷) آرامگه پار (۲)
۲۲	بگو بید (۱۰-۱)	کجا (۳-۲) (۶-۶) (۱۱-۱۴)	است (۳-۲) (۷-۷) (۱۰-۱۴) - او (۱۵) (۱۷-۱۸) (۲۰-۲۲)	دل (۲۳-۲۰)	مهیا (۲۵-۲۶)	است (۴-۴) (۲۱-۲۵) (ریضی)
	دارد (۹-۱۱)	(۲۴-۲۷) (۲۷-۳۰)	(۲۴-۲۷) (۲۷-۳۰) (۳۰) (فرایند چوبی)	ما (۱۷-۲۳)	پار (۲۱-۲۷)	
۲	نشارت (۱۳) نکته (۱۴)	گیسوی شکن در شکن (۱۹) سلسله (۲۲)				
۵	شد (۲۱) بشود (۳۱)	مهران کز (۱۶) ای کز (۱۸)	هشیار (۱۱) عقل (۲۱)	عقل (۲۱) دل (۳۳)	ما (۱۷) ملائکتیکار (۱۸)	
۲۴	نسیم سحر (۱) تشبیه (۱)	تشبیه تار (۵) باغوان (۸)	بگو بید (۱۰) بار بید (۹)	آرامگه (۲) منزل (۳)	منزل (۳) (۵)	وادی ایمن (۵) آتش طوز (۶)
	منزل (۳) موعده دیدار (۷)	وادی ایمن (۵) جهان (۸)	خرابات (۱۱) جهان (۸)	پیش (۵) کجا (۳)	نقش خراب (۹) یکبار (۸)	هر که (۷) پار (۲)
	عقل (۲۱) بنشارت (۱۳)	مهرم اسرار (۱۴) بنشارت (۱۳)	من (۱۶) پار (۱)	دل (۲۰) من (۱۶)	دل (۲۳) دلداری (۲۴)	ایروی دلداری (۲۴) سلسله مستکین (۲۲)
	عقل (۲۱) معقول (۲۹)	آمد (۱) گوشه گوشه (۲۳)	داند (۱۳) لکریقرا (۲۹)	لکریقرا (۲۹) بروج (۲۸)	گرفزار (۲۰) دیوانه (۲۱)	مطرب و... (۲۶) همیش (۳۶)
۱	ما (۱۷) من (۱۶)					
-						
۳	آه مه (۳) پار (۲)	چمن دهر (۲۸) جهان (۸)	گل بی خار (۳۰) پار (۲۷)			

اکنون، عوامل ایجاد کننده انسجام را در زنجیره‌هایی با عنوان‌های یکسانی و شباهت قرار می‌دهیم و نمونه‌های مرتبط را محاسبه می‌کنیم. در این مرحله، تنها عوامل انسجامی‌ای شرکت می‌کنند که در یک زنجیره، دست کم دو عضو دارند؛ به عبارت دیگر، شرط شرکت هریک از این عوامل در این زنجیره‌های انسجامی، داشتن دو عضو یا بیشتر است. چنان که در جدول ۲ (بیت ۲، جمله ۴) می‌بینیم، در میان این نمونه‌ها، واژه «الآن» که با توجه به مفهوم جمله اضافه شده است، هم‌زنجیره‌ای ندارد و به عبارتی، با واژه‌های دیگر، گره تشکیل نداده است؛ به همین دلیل، این واژه در جدول ۴ قرار نمی‌گیرد. در جدول ۴ نیز ارتباط عوامل انسجامی را به صورت ستونی نشان داده‌ایم. واژه‌هایی که در جدول ۳ جزء عوامل انسجامی هستند، در جدول ۴ در زنجیره یکسانی (با

علامت اختصاری «ی» مشخص شده‌اند و دیگر واژه‌هایی که زیرمجموعه عوامل انسجام واژگانی هستند، در زنجیره شباهت (با علامت اختصاری «ش») قرار می‌گیرند؛ مثلاً در جمله‌های ۸ و ۹ واژه‌های «هرکه» و «او» از نظر انسجام دستوری حذف، در زنجیره یکسانی واقع می‌شوند؛ زیرا ارتباطشان از نوع دستوری است؛ همچنین واژه «ما» در جمله ۱۷ و ترکیب وصفی «ملا متگر بیکار» در جمله ۱۸ از نظر معنایی، در این شعر در تضاد با یکدیگرند و چون تضاد جزء عوامل انسجام واژگانی است، این دو واژه در زنجیره شباهت قرار می‌گیرند.

در بعضی از ستون‌های این جدول، واژه‌هایی نوشته شده‌اند که ممکن است با واژه‌های دیگر، از نظر یکسانی یا شباهت، هم‌زنجیره باشند؛ مثلاً در دومین ستون عمودی، واژه‌های «بگو» در جمله ۱، «بگوئید» در جمله ۱۰ و «باز پرسید» در جمله ۱۹ دیده می‌شود و در بالای این ستون، هم علامت اختصاری «ی» و هم علامت اختصاری «ش» نوشته شده است. برای توضیح دادن این مطلب، به جدول ۳ که بیانگر نوع رابطه این عوامل است، مراجعه می‌کنیم. چنان که می‌بینیم، در ستون دوم (جانشینی و حذف)، واژه «بگو» به این صورت نوشته شده است: بگو (۱-۱۰)؛ بدان معنا که «بگو» در جمله ۱ حذف شده و در جمله ۱۰ آمده است. رابطه این دو واژه، از نوع حذف و جزء عوامل دستوری است؛ بنابراین، آن‌ها در زنجیره یکسانی قرار می‌گیرند. از سوی دیگر، واژه‌های «بگوئید» (۱۰) و «باز پرسید» (۱۹) با یکدیگر رابطه جزء و کل دارند؛ یعنی واژه «باز پرسید» جزئی از واژه «گفتن» است. از آنجا که رابطه جزء و کل، زیرمجموعه عوامل انسجام واژگانی است، این دو واژه در زنجیره شباهت قرار می‌گیرند؛ بنابراین، در این ستون، هم زنجیره انسجامی یکسانی وجود دارد و هم زنجیره انسجامی واژگانی. براساس این جدول، تعداد نمونه‌های مرتبط با این مقوله، ۹۵ مورد است.

حال، براساس آنچه تاکنون گفتیم، درجه انسجام متن را محاسبه می‌کنیم. همان‌گونه که پیشتر نیز گفتیم، کل نمونه‌ها عواملی هستند که در جدول ۳ شرکت کرده‌اند؛ نمونه‌های مرتبط، عوامل انسجامی‌ای هستند که در جدول ۴ نشان داده شده‌اند و نمونه‌های جنبی، عبارت‌اند از واژه یا واژه‌هایی که در جدول ۴ یعنی زنجیره‌های یکسانی و شباهت دیده

نمی‌شوند؛ به عبارت دیگر، این نوع نمونه، هم‌زنجیره ندارد یا واژه‌ای که بتواند با آن، ارتباطی از نوع عوامل انسجामी داشته باشد، موجود نیست. چنان‌که در ذیل می‌بینیم، نمونه‌های مرتبط، در مقایسه با کل نمونه‌ها ۹۸/۹۵ درصد از موارد را به خود اختصاص می‌دهند. این محاسبه، بیانگر آن است که غزل مورد بحث ما از انسجामी بسیار زیاد برخوردار است.

تعداد نمونه‌های مرتبط: ۹۵	}	مورد
تعداد کل نمونه‌ها: ۹۶ مورد		
تعداد نمونه‌های جنبی: ۱		مورد

درصد نمونه‌های مرتبط نسبت به کل نمونه‌ها: ۹۸/۹۵

جدول ۱- زنجیره های یکسانی و شباهت در غزل (ای نسیم سحر آرامگه یار کجاست)												
بیت	جمله	ش	ی/اش	ی/اش	ش	ش	ش	ش	ش	ش	ش	ش
1	1	نسیم سحر	(یگر)									
2	1	آرامگه یار		کجا	نست							
3	1	مژول آن مه عاشق کش عیار		کجا	نست							
4	2	شب تار			نست							
5	2	ره وانی ایمن		پیش	(نست)							
6	2	آتش طور		کجا	(نست)							
7	2	موعد دیدار (یار)		کجا	نست							
8	3	جهان				هر که						
9	3					دارد	نقش خرامی	(او)				
10	3	بگویی						(شما)				
11	3	خرابات		کجا	نست		هشیار					
12	4					است	آن کس / (اعل بشارت)			اعل بشارت		
13	4						(او)			نکته ها		
14	4											
15	4			کجا	نست		محرم اسرار			(محرم اسرار)		
16	5					دارد	هوران کار	هر سر روی من / تو				
17	5			کجا	هستیم		ما					
18	5			کجا	نست		ملاکنگر (بی کار)					
19	6	بازرسید					گیسوی شکن در شکنش / (شما)					
20	6			(کجا)	نست		این دل غم‌ده سرگشته (من)			گردان (کجا)		
21	7					شد		عقل		دیوچه		
22	7			کجا	نست		آن سلسله مشکین (یار)					
23	7						ما / (دل)	دل	گوشه گرفت			
24	7			کجا	نست		ایروی دلدان					
25	8				نست					مطرب استانی امی جسته مهیا		
26	8					نشود	یار			جیش مهیا		
27	8			کجا	نست		یار					
28	9	باد خوران	چندین دهر				حافظ			میرنج		
29	9						(حافظ)	معتقول		ذکر (معتقول) / فرما		
30	9			کجا	نست		گل بی عار					

۶. تحلیل انسجام در غزل سعدی

در این بخش، این غزل سعدی را برای بررسی برگزیده‌ایم:

خرم آن بقعه که آرامگه یار آنجاست راحت جان و شفای دل بیمار آنجاست
من در اینجای، همین صورت بی‌جانم و بس دلم آنجاست که آن دل‌بر عیار آنجاست
تنم اینجاست سقیم و دلم آنجاست مقیم فلک اینجاست؛ ولی کوکتب سیار آنجاست
آخر ای باد صبا بویی اگر می‌آری سوی شیراز گذر کن که مرا یار آنجاست
درد دل پیش که گویم؟ غم دل با که خورم؟ روم آنجا که مرا محرم اسرار آنجاست
نکنند میل دل من به تماشای چمن که تماشای دل آنجاست که دل‌دار آنجاست

سعدی این منزل ویران چه کنی؟ جای تو نیست

رخت بریند که منزلگه احرار آنجاست

(سعدی، ۱۳۷۸: ۴۲۷)

در تحلیل این غزل، از توضیح هریک از مرحله‌های تحلیل خودداری کرده و به ذکر جدول‌های مورد نظر بسنده کرده‌ایم.

بیت اول:

۱. خرم - آن بقعه - (است) ۲. آرامگه یار - آنجا - است

۳. راحت جان و شفای دل بیمار - آنجا - است

بیت دوم:

۴. من - در اینجای، همین صورت بی‌جان - هستم ۵. بس (من - در اینجای - همین صورت

بی‌جان - هستم)

۶. دلم - آنجا - است ۷. آن دل‌بر عیار - آنجا - است

بیت سوم:

۸. تنم - اینجا - است - سقیم ۹. دلم - آنجا - است - مقیم ۱۰. فلک - اینجا - است
۱۱. کوکب سیار - آنجا - است

بیت چهارم:

۱۲. ای باد صبا بویی اگر می‌آری (ای باد صبا - بوی یار من - شیراز - بیاور)
۱۳. (ای یاد صبا) - سوی شیراز - گذر کن ۱۴. یار من - آنجا - است

بیت پنجم:

۱۵. (من) - درد دل - پیش که - گویم ۱۶. (من) - غم دل - با که - خورم ۱۷. (من) - روم
- آنجا
۱۸. محرم اسرار من - آنجا - است

بیت ششم:

۱۹. نکنند میل - دل من - تماشای چمن ۲۰. (محل) تماشای دل (من) - آنجا - است
۲۱. دل دار - آنجا - است

بیت هفتم:

۲۲. سعدی - این منزل ویران - چه کنی؟ ۲۳. جای تو - نیست -
۲۴. (سعدی) - رخت بر بند - (این منزل ویران) ۲۵. منزلگه احرار آنجاست
مرحله بعد از تحلیل اولیه غزل، یافتن کل نمونه‌ها (کل واژه‌های شرکت کننده در جدول
۲) است.

۳۰ / تحلیل مقایسه‌ای عوامل انسجام در دو غزل حافظ و سعدی و تأثیر آن بر انسجام متن

ردیف		عبارت		عوامل انسجام و ازگانی و دستوری در غزل سعدی: «خرم آن بقعه که آرامگه یار آنجاست»		ردیف	عبارت	عوامل انسجام
1	1					1	آن بقعه	خرم است
2	1				است	2	آرامگه یار	آنجا است
3	1				است	3	راحت جان و شغای دل بیمار (من)	آنجا است
4	2					4	من	همین صورت بی جان هستم اینجا
5	2					5	(من)	(همین صورت بی جان) (هستم) (اینجا)
6	2				است	6	دل	آنجا است
7	2				است	7	آن دلبر عیار	آنجا است
8	3					8	تم	اینجا است سقیم
9	3				مقیم	9	دل	آنجا است
10	3				است	10	دلک	اینجا است
11	3				است	11	کوکب سیار	آنجا است
12	4			بیار		12	ای باد صبا، بوی (یار)	(شیراز)
13	4			گذار کن		13	(ای باد صبا)	شیراز
14	4					14	یار من	آنجا است
15	5		درد دل	گویم		15	که / (من)	
16	5		غم دل	خورم، گویم		16	که / (من)	
17	5					17	(من)	
18	5				است	18	مجرم اسرار من	آنجا است
19	6			تماشای چمن	میل نکند (نمی رود)	19	دل من	آنجا است
20	6					20	تماشای دل من	آنجا است
21	6					21	دلدار	آنجا است
22	7			چه (چه کار)	کنی	22	سعدی	این منزل ویران
23	7					23	جای تو	(این منزل ویران) نیست
24	7				رخت برینده	24	(سعدی)	(این منزل ویران)
25	8					25	منزلگه احرار	آنجا است

۷. بررسی و محاسبه عوامل انسجام در دو غزل مورد بحث

در این بخش، عوامل پدیدآورنده انسجام را در هر دو غزل به صورت کمی بررسی می‌کنیم. این بررسی براساس دومین جدول در تحلیل هریک از غزل‌ها صورت گرفته است که نوع ارتباط عوامل پدیدآورنده انسجام را در هر غزل نشان می‌دهد. با استفاده از روش‌های آماری «توزیع فراوانی و درصد»، بسامد هریک از عوامل پدیدآورنده انسجام دستوری یا واژگانی به کاررفته در غزل‌های موردنظر را در جدول ۸ نشان داده‌ایم. با استفاده از این محاسبات می‌توان تفاوت فراوانی و درصد عوامل انسجامی به کاررفته در غزل هر دو شاعر را دریافت.

جدول ۸- توزیع فراوانی و درصد عوامل انسجامی در غزل حافظ و سعدی

شاعر	فراوانی / درصد	عوامل انسجام							
		ارجاع	جانمایی و حذف	تکرار	هم‌معنایی	تضاد معنایی	جزء و کل	برابری	نام گذاری
حافظ کجاست	۳	۶	۲۲	۲	۵	۲۴	۱	-	۳
	۵/۵۴	۹/۰۹	۳۲/۳۳	۶/۰۳	۷/۵۷	۳۱/۳۳	۱/۵۱	-	۴/۵۴
سعدی آنجاست	۴	۱۲	۱۵	۳	۷	۱۱	۶	-	۲
	۸/۶۶	۲۰	۲۵	۵	۱۱/۶۶	۱۸/۳۳	۱۰/۱۳	-	۳/۳۳
حافظ	درصد کلی	۱۳/۶۳	۸۱/۳۷						
سعدی	درصد کلی	۲۶/۶۶	۷۳/۳۴						

با توجه به این جدول، درصد عوامل انسجامی «تکرار»، «جزء و کل» و «تأخیری» (تشابه) در غزل حافظ، بیشتر از غزل سعدی است؛ به عبارتی، درصد دیگر عوامل انسجامی، جز موارد یادشده، در غزل سعدی، بیشتر از غزل حافظ است. از سوی دیگر درصد کل عوامل پدیدآورنده انسجام دستوری، در غزل حافظ ۱۳/۶۳ و در غزل سعدی ۲۶/۶۶ است. چنان‌که می‌بینیم، در غزل سعدی، تقریباً دو برابر غزل حافظ، از عوامل انسجام دستوری استفاده شده است.

دیگر نکته مهم در این تحلیل، آن است که عامل انسجامی جزء و کل، در غزل حافظ نیز تقریباً دو برابر غزل سعدی است؛ همچنین درصد کل عوامل ایجادکننده انسجام واژگانی در غزل سعدی ۷۳/۳۴ و در غزل حافظ ۸۶/۳۷ است و بدین ترتیب، کاربرد عوامل پدیدآورنده انسجام واژگانی در غزل حافظ، بیشتر از غزل سعدی است.

براساس آنچه گفتیم، شاید این مسئله که به طور کلی، غزل سعدی، منسجم تر از غزل حافظ به نظر می رسد، در کاربست این عوامل در کلام این دو شاعر ریشه داشته باشد. همان گونه که دیدیم، بسامد عوامل پدیدآورنده انسجام دستوری (ارجاع، جانشینی و حذف) در غزل سعدی، نسبت به غزل حافظ، بیشتر است و همین عوامل انسجام دستوری سبب می شوند متن غزل او منسجم تر از غزل حافظ به نظر برسد؛ چنان که رقیه حسن (۱۹۸۵: ۸۵) این عوامل را جامع متن برشمرده است. در مجموع می توان به این نتیجه رسید که حافظ در غزل خود، بیشتر به دنبال پنهان نگاه داشتن زیبایی های شعری بوده است تا خواننده پس از هربار خواندن این غزل ها، به بخشی از زیبایی های نهفته شعر او دست یابد.

چنان که در جدول ۸ می بینیم، درصد عوامل انسجامی «هم معنایی»، «تضاد معنایی» و «برابری» در غزل سعدی، بیشتر از غزل حافظ است. همان گونه که می دانیم، این عوامل انسجامی از جمله عواملی هستند که در شعر، به راحتی تشخیص داده می شوند؛ بدین ترتیب، به همان میزان که حافظ در غزل خویش، زوایای پنهان دارد، سعدی همه هنر خویش را روی دایره می ریزد و همین مسئله باعث می شود غزل های او را زودتر دریابیم.

۸. نتیجه گیری

در این پژوهش، پس از بررسی این دو غزل، به این نتیجه ها رسیده ایم:

الف) این مسئله که غزل سعدی، منسجم تر و پیوسته تر از غزل حافظ به نظر می رسد، در کاربست عوامل انسجامی دستوری در متن ریشه دارد.

ب) کاربرد عوامل انسجامی «جزء و کل» و «تکرار» در غزل حافظ، نسبت به غزل سعدی، درصد بیشتری را به خود اختصاص داده است؛ بنابراین، حافظ در غزل خود، در پی به کار گرفتن واژه هایی است که با یکدیگر ارتباط پنهان دارند؛ به همین دلیل، با یک بار

خواندن غزل حافظ، قادر به درک عمیق مفهوم آن نیستیم. به دنبال هربار خواندن غزل او می‌توانیم به نکته‌ای تازه در شعرش دست یابیم و ارتباط پنهان موجود در زوایای غزل را کشف کنیم.

این تحلیل، نخستین گام برای یافتن درجه کمی انسجام در غزل‌های حافظ و سعدی است؛ بدان معنا که در این پژوهش، تنها به بررسی کمی انسجام در دو غزل برگزیده از این دو شاعر، به روشی کاملاً علمی و جهانی پرداخته‌ایم؛ بنابراین، در گام بعدی تحلیل غزل حافظ باید به دنبال یافتن ارتباط معنایی و تأویل و تفسیر غزل از دیدگاهی ادبی و البته علمی و تحقیقی باشیم.^۱

منابع

- آقاگل‌زاده، فردوس (۱۳۸۴). «کاربرد آموزه‌های زبان‌شناسی نقش‌گرا در تجزیه و تحلیل متون ادبی». *فصلنامه تخصصی زبان و ادبیات*. س. ۳۸. ش. ۲. (پیاپی ۱۴۹). صص. ۱-۲۱.
- باطنی، محمدرضا (۱۳۷۳). *زبان و تفکر: مجموعه مقالات زبان‌شناسی*. چاپ پنجم. تهران: فرهنگ معاصر.
- براهنی، رضا. (۱۳۸۰). *طلا در مس*. ج. اول. تهران: زریاب.
- حافظ، شمس‌الدین محمد (۱۳۶۸). *دیوان حافظ*. تصحیح محمد قزوینی و قاسم غنی. تعلیقات و حواشی محمد قزوینی. به‌اهتمام عبدالکریم جریزه‌دار. چاپ دوم. تهران: اساطیر.
- حق‌شناس، علی محمد (۱۳۷۳). «نظم، نثر، شعر: سه گونه ادب». *مجموعه مقالات دومین کنفرانس زبان‌شناسی نظری و کاربردی*. تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- خرمشاهی، بهاء‌الدین (۱۳۶۱). *ذهن و زبان حافظ*. تهران: نشر نو.
- سعدی، مصلح بن عبدالله (۱۳۷۸). *کلیات سعدی: متن کامل گلستان، بوستان، غزلیات، قصاید، رباعیات، قطعات و رسایل*. از روی نسخه تصحیح‌شده محمدعلی فروغی. تهران: آبیاری.
- شفیع‌ی کدکنی، محمدرضا (۱۳۶۸). *موسیقی شعر*. تهران: آگاه.
- شمیسا، سیروس (۱۳۷۰). *سیر غزل در شعر فارسی (از آغاز تا امروز)*. تهران: فردوس.

۱. در معادل‌سازی برای هریک از واژه‌ها از زبان اصلی به‌زبان فارسی، از *واژه‌نامه زبان‌شناسی و علوم وابسته* (۱۳۷۹) از همدخت همایون استفاده کرده‌ایم.

- فالر، راجر و دیگران (۱۳۸۱). *زبان‌شناسی و نقد ادبی*. ترجمه حسین پاینده و مریم خوزان. تهران: نشر نی.
- فرزاد، مسعود (۱۳۵۳). *اصالت و توالی ابیات در غزل‌های حافظ*. شیراز: کیهان.
- کسروی، احمد (۱۳۲۲). *حافظ چه می‌گوید؟*. چاپ دوم. چاپ‌خانه پیمان.
- مهاجر، مهران و محمد نبوی (۱۳۷۶). *به سوی زبان‌شناسی شعر: ره‌یافتنی نقش‌گرا*. تهران: نشر مرکز.
- همایون، همدخت (۱۳۷۹). *واژه‌نامه زبان‌شناسی و علوم وابسته*. چاپ اول. ویرایش دوم. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

- Gutwinski, Waldemar (1976). *Cohesion in Literary Texts*. Paris: Mouton.
- Halliday, M. A. K. (1985). *An Introduction to Functional Grammar*. London: Edward Arnold.
- Halliday, M. A. K. and Ruqaiya Hasan (1976). *Cohesion in English*. London: Longman.
- ----- (1985). *Language, Context and Text: Aspect of Language in a Social Semiotic Perspective*. Oxford University Press.
- Hasan, R. (1984). "Coherence and Cohesive Harmony". In J. Flood (ed.). *Understanding Reading Comprehension*. I. R. A. Newark: Delaware.
- ----- (1985). *Linguistics, Language and Verbal Art*. Deaken University Press.
- ----- (1989). *Linguistics, Language, and Verbal Art*. Oxford University Press.
- Salkie, Raphael (1995). *Text and Discourse Analysis*. London and New York: Routledge.